

همان‌طور که آقای زهرایی بیان کردند مورد استفاده قرار می‌گرفت، می‌توانست متناسب با زمان عمل کند و مورد استقبال بیشتری از سوی مخاطبان قرار گیرد. این سریال به‌خوبی از گروه سنی دخترها بهره برد و آنها را به‌سوی انتخاب بزرگی که در زندگی‌شان می‌خوانند داشته باشند (مانند ازدواج) سوق داد. سپس، نقی به‌عنوان پدر ایرانی که نقش تصمیم‌گیرنده و راهنمای اصلی در زمینه ازدواج را برعهده دارد، وارد داستان شد؛ که از نظر من یک تصمیم هوشمندانه از سوی عوامل تولید بود.

همچنین وجود شخصیت‌های جوانی مانند سارا، نیکا، بهناش و حتی سالار، ابعاد جدیدی به سریال بخشید. به‌ویژه سالار که با حضورش می‌تواند فصل‌های جدیدی را با توجه به ارتباطش با خانواده رقم بزند. در مورد ازدواج سارا و نیکا، نکته مهم این‌که گروه تولید بنا به دلایلی، بازیگران این نقش‌ها را تغییر ندادند؛ بلکه آنها را حفظ و شرایط ازدواج را برای‌شان فراهم کردند که این امر نیز به نظر من نشان از هوشمندی در تصمیم‌گیری دارد. یک بحث دیگر که در فضای مجازی درباره سریال مطرح شده، مربوط به حضور پدری است که باعث خجالت فرزندان‌ش شود اما به نظر من، نقی عامل خجالت‌آفرینی نیست. سریال پایتخت قصد نداشته

یک پدر بد را نشان دهد تا به این ترتیب تاریکی و بدی را به تصویر بکشد؛ بلکه سعی دارد جنبه‌های مثبت او را نیز به نمایش بگذارد. برای مثال، در مورد پسری که برای خواستگاری آمد، نقی برای او شرط و شروطی تعیین کرد و به بنیه ضعیفش اشاره نمود، اما درعین‌حال از آن جوان در بعد دیگری حمایت کرد و به او پیشنهاد داد به باشگاه برود و ورزش کند. این رفتار نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری نقی است؛ یعنی هم نقاط ضعف و هم نقاط قوت او به‌طور متعادل منعکس شده و به‌عنوان یک آموزش غیرمستقیم برای جوانان ایرانی در سن ازدواج عمل می‌کند. از سوی دیگر، حضور

بهناش درمیانہ مطالبات و ایستادگی‌های خانوادگی، نمایانگر جنبه‌ای از زمان و شرایط حاضر است اما به‌نظم ضعف پایتخت ۷ در فصل هفتم با مشاهده بهروز و فهمیه مشخص می‌شود. فهمیه همچنان در قالبی شبیه به فصل‌های اولیه (فصل‌های یک، ۲ و ۳) حضور دارد و به‌گونه‌ای رشد کرده که مسئولیت فرزند خود را برعهده دارد. البته نکته‌ای در مورد فهمیه وجود دارد. به‌نظم، متناسب با زمانه و در بحث زنان، در این سریال زنی دیده نمی‌شود که به شیوه‌ای صریح و بدون سرخوردگی علاقه خود به یک آقا را ابراز کند. این امر، به‌نوعی صراحت در خواسته یک زن (به‌صورت غیرمستقیم از طریق هما و سایر شخصیت‌ها) اشاره دارد که از نظر من اشتباه است. درنهایت، باید اشاره کرد که یکی از نکات مثبت این سریال استفاده از بازی‌هایی است که وضعیت امروزی خانواده‌ها را به تصویر می‌کشند. به‌عنوان مثال، از قسمتی که مافیا بازی می‌کنند، بسیار خوشم آمد؛ زیرا خانواده‌ها در تلویزیون خود را تکرار می‌بینند و این باعث ایجاد ارتباط نزدیک‌تر و همدات‌پنداری بیشتر می‌شود.

زهرایی: در جمع بندی می‌توانم بگویم که ما باید به پدیده‌ای مانند سریال پایتخت به‌عنوان یک دستاورد فرهنگی – ملی نگاه کنیم، جایگاه ویژه‌ای برای آن قائل شویم و از آن حفاظت و حرست نماییم. با پایتخت می‌توانیم نشر فرهنگ، نظام ارزشی و اخلاقی را انجام دهیم یا آنها را تقویت کنیم. پایتخت توانایی ارائه برنامه‌ای برای آینده جامعه، سرگرم‌کردن خانواده‌ها و شاد کردن آنها را داراست؛ چراکه در تمام عرصه‌ها پتانسیل بسیار بالایی دارد.

اما بهره‌برداری بهینه از این پتانسیل مستلزم وجود اتاق فکری استراتژیست و بالادستی است تا پایتخت بتواند همانند نمونه‌های موفق خارجی، این ارزش‌های مثبت را به شکلی بیشتر و مؤثرتر به مخاطب ارائه دهد.

طبیعی است هر سریال، فیلم یا پدیده هنری دارای معایب و مزایایی باشد که در یک بازی ترازویی‌گاه یکی بر دیگری چیره می‌شود. به‌نظم، محاسن پایتخت از معایبش فراتر است. همچنین، یکی از دلایل محکم موفقیت آن، کاهش مصرف اینترنت در زمان پخش و بازگشت مخاطبان به تماشای تلویزیون است، مطلبی که مسئولان نیز بر آن تأکید کرده‌اند.

امیدوارم که پایتخت همچنان محبوب دل‌ها باقی بماند و فصل‌های بعدی آن تا سالیان سال تولید شوند و ما بتوانیم این بازیگران را در صحت و سلامت تا پیری دنبال کنیم و همچنان این سریال، آینه تمام‌نمای اقتدار جامعه باشد.

کنار فرهنگ جهانی که باوجود فضای مجازی و توانایی سفرهای خارجی تقویت‌شده است، به مخاطب عرضه می‌شود.

در روایت‌های کلاسیک، حق و باطل یا خوب و بد کاملاً مشخص بودند. این ارزش‌گذاری روشن در فصل‌های یک تا۵ سریال، به‌ویژه در فصل‌های ابتدایی، به‌وضوح دیده می‌شد اما از فصل ششم به بعد، با شروع افت سریال، شخصیت‌های خاکستری بیشتری دیده شدند. تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای خاکستری نیز در فصل هفتم بیش از پیش به نمایش درآمدند.

یکی از دلایلی که پیش از پایتخت ۷ شاهد رشد کمتر مخاطبان تلویزیون مان بودیم، عدم حضور چهره‌های مشهور و بازیگران برجسته بود. ازجمله نقاط قوت مهم این سریال، حضور چهره‌های سینمایی و بازیگرانی است که در میان مردم به‌عنوان کاراکترهای پذیرفته‌شده شناخته می‌شوند و این امر باعث جذب بیننده‌های بیشتری شده است.

قیادی: من با نظری که برخی دوستان مطرح کرده‌اند، مبنی بر این‌که به دلیل وضعیت بد جامعه نباید شخصیت‌هایی مانند نقی و سایر کاراکترها را به‌طور کامل منفی نشان داد، مخالفم. درست است که ممکن است جامعه در برخی زمینه‌ها با دلخوری‌ها و مشکلاتی همراه باشد اما این واقعیت به‌هیچ‌وجه دلیل کافی نیست که سریالی که روزگاری به نشاط و پویایی معروف بود، به ناچار رفتارها و ارزش‌های خود را به‌طور کامل تغییر دهد. مردم به دلیل خاطره‌ها و حس شادی گذشته، همچنان به این سریال دل بسته و با اشتیاق آن را دنبال می‌کنند.

برخی معتقدند که تمامی شخصیت‌ها، به‌خصوص نقی – که روزگاری به‌عنوان نماد پایداری و پدر محترم خانواده شناخته می‌شد – دچار تنزل شده‌اند. در گذشته، نقی به‌عنوان ستون اصلی خانواده، باوجود نواقصی که داشت (مثلاً در مواردی مانند وضعیت ذهنی ضعیف یا حتی شرایط آزارآوری در قالب «بابا پنجه‌لی»)، همچنان از حمایت و احترام همسر و فرزندان برخوردار بود اما اکنون، نقی به‌عنوان پدری سرخورده، خودمحور و حتی گاه آزاردهنده به تصویر کشیده شده است؛ به‌طوری‌که فرزندانش از رفتارهای ناهنجار او خسته شده و از او سؤال می‌کنند تا کجا باید ادامه دهد. این تغییر در تصویر پدر، بازتابی از تحولات سینمایی سال‌های اخیر است؛ زیرا اکثر آثار هنری امروزی، پدرانی را نشان می‌دهند که با تصمیمات نادرست خود در مدیریت بحران‌های اقتصادی و اجتماعی دچار ناکامی شده و احترام خود را از دست داده‌اند.

با وجود این‌که ممکن است تغییر در شخصیت‌ها، آینه‌ای از وضعیت جامعه‌ای باشد که با دلخوری و سرخوردگی دست و پنجه نرم می‌کند، این موضوع به معنای از بین رفتن تمامی ویژگی‌های مثبت نقی نیست. ما همواره نقی را به‌عنوان نماد دلسوزی، تلاش برای خوشبختی خانواده و پدری متعهد دوست داشته‌ایم اما امروز، حتی تعصب‌ها و تلاش‌های کورکورانه او برای رفاه خانواده، به‌عنوان صفاتی ناهنجار تلقی شده و او بیشتر به فردی ابله‌نما بدل شده است. در همین حین، سریال پایتخت توانسته است با بهره‌گیری از لطایف و زیر متن، نقش مؤثری در فرهنگ‌سازی ایفا کند و هنجارهای اجتماعی و ناهنجاری‌ها را به‌طور دقیق به تصویر بکشد. از آنجاکه کاراکترهای این سریال برای مخاطبان عزیز و قابل اعتماد باقی مانده‌اند، پایتخت باید جایگاه خود را در میان تمامی اقتدار جامعه حفظ کند و نباید فقط به یک قشر محدود شود. ارزش‌های اولیه سریال که بر پایه باورهای اسلامی و اخلاقی بنا شده بود، باوجود آن‌که ممکن است برخی از آنها در رسانه‌ها به شکل مبالغه‌آمیز مطرح شود گردد نباید نادیده گرفته شوند.

سریال همچنین در پرداختن به موضوعاتی نظیر سبک زندگی مدرن، تأثیر فضای مجازی، شیوه‌های جدید رفتار خانوادگی و حتی موضوعاتی مانند شیوه نگهداری از حیوانات خانگی، از روزوای متنوعی به بحث پرداخته است. این رویکرد باعث شده است پیام‌های فرهنگی مثبت به شیوه‌ای غیرمستقیم و درعین‌حال جذاب به مخاطبان منتقل شوند. از طرف دیگر، نقدهایی که در فضای مجازی درباره نحوه تصویرسازی پدر و نقش او مطرح شده است، نباید منجر به آن شود که از ارزش‌های دیرینه پدری در فرهنگ ایرانی چشم‌پوشی گردد. پدرهای ایرانی همواره به‌عنوان دلسوزترین و بهترین پدران شناخته شده‌اند و نباید به دلیل تغییراتی که در برخی آثار هنری رخ می‌دهد، این ارزش‌ها را از کلیت آن جدا کرد.

درنهایت، سریال پایتخت با وجود داشتن معایبی در برخی از جنبه‌های تصویرسازی شخصیت‌ها، همچنان دارای محاسن فراوانی است که باعث شده تا مخاطبان عزیز خود را حفظ کند. اگر گروه‌های متفکر و فرهنگی در کنار گروه‌های هنری فعالیت کنند، این سریال می‌تواند پیام‌های مثبت و ارزشمند فرهنگی خود را به‌طور گسترده‌تر و مؤثرتر به جامعه منتقل کند و همچنان شاهد رشد و توسعه آن در سالیان آینده باشیم.

عباسی: به‌نظم چیزهای جالبی که سریال پایتخت ۷ به نمایش گذاشت، شامل برخی از اقتضاهایی است که اگر

را با زبانی ساده، شیرین و گاه تلخ به تصویر می‌کشید. موضوعی که اکنون مطرح می‌شود، تغییراتی است که در جامعه ایرانی رخ داده و از دهه ۷۰ یا ۸۰ شروع شده و تا سال‌های اخیر (مانند سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲) خود را به‌طور کامل نشان داده است. ما می‌توانیم این سریال را به‌عنوان معیاری برای اندازه‌گیری و نمایش تغییرات جامعه در نظر بگیریم.

برای مثال، یکی از مسائلی که در سریال دیده می‌شود، رسانه‌زدگی و هیاهوی اطلاعاتی است. در ابتدا، ما با خانواده‌ای روبه‌رو بودیم که با فضای مجازی اصلاح‌کاری نداشت و نقی معمولی محور خانواده بود. در آن زمان احترام سلسله‌مراتبی متقابل در خانواده وجود نداشت. بحران هویتی که اکنون بین شخصیت‌های سریال مشاهده می‌شود و گسست اخلاقی یا نسبی‌گرایی در میان شخصیت‌ها، در ابتدای سریال وجود نداشت. در آن دوره، دروغ گفتن به‌عنوان بدترین رفتار شناخته می‌شد اما اکنون گاه دروغ مصلحتی نیز مطرح می‌شود. موضوع دیگری که در حال حاضر قابل مشاهده است، نقد اجتماعی موجود در سریال است که این نقد به سمت تلخی بیشتر پیش رفته است. در فصل هفتم، شخصیت‌ها از ثبات روانی و شخصیتی کمتری برخوردارند. نقی معمولی که در گذشته نماد ثبات، هدایت و تصمیم‌گیری در خانواده بود، اکنون شخصیتی سردرگم، خودمحوری شده. از سوی دیگر، ارسطو که زمانی دچار صداقت و بی‌ریایی بود، اکنون شخصیتی متفاوت دارد و دیگر آن صداقت در رفتار او دیده نمی‌شود.

به نظر من، این تغییرات منطقی است؛ زیرا در جامعه نیز شاهد تغییر ارزش‌ها و کم‌رنگ شدن برخی از آنها هستیم. سریال پایتخت ۷ می‌تواند این تغییرات را به مردم نشان دهد. با حفظ ارزش‌های اصلی که سازندگان سریال مدنظر دارند، می‌توان علاوه بر نمایش نقاط قوت، عارضه‌های ناشی از این تغییرات را نیز به تصویر کشید. از دیگر تغییرات مهمی که در سریال دیده می‌شود، تقابل نسل هاست. نقی به‌عنوان پدر خانواده، نماینده ارزش‌های سنتی مانند میهن‌دوستی، شرافتمندی در کارگری، دینداری و پدرسالاری بود اما اکنون با حضور بهناش فریبا، نماینده نسلی که به دنبال هویت جدید، آزادی فردی و تجربه‌گرایی است، این ارزش‌ها مورد چالش قرار گرفته. این تقابل به‌خوبی در فصل آخر سریال به تصویر کشیده شده است.

از دیگر تغییراتی که به‌وضوح قابل مشاهده است، تحول ساختار سنتی خانواده است. هم‌اکنون پیش‌تر فردی مطیع و راضی از زندگی به نظر می‌رسید و حاضر بود به هر سختی خانواده را کنار هم نگه دارد، اکنون فردی مطالبه‌گر شده و تصمیماتی می‌گیرد که گاه کاملاً خلاف گذشته است. در گذشته، نقی نهایتاً با مشورت ارسطو تصمیماتی می‌گرفتند که بقیه باید تاوان آنها را می‌دادند اما اکنون، تصمیم‌گیری‌ها به‌صورت جمعی انجام می‌شود و همه اعضای خانواده در اجرای آن سهیم هستند.

همچنین، فرزندان خانواده که پیش‌تر به دلیل سن یا شرایط زندگی تابع والدین بودند، اکنون جسورتر و مستقل‌تر شده‌اند. آنها گاه کارهایی انجام می‌دهند که کاملاً برخلاف خواست و مسیر والدین است. از سوی دیگر، ما شاهد چندپارگی و مرکززدایی در سریال هستیم. سنت‌های محلی و ارزش‌های قدیمی اکنون در



ولی هستیم

«می‌تواند تصویری جامع از جامعه ایرانی ارائه دهد

شده‌اند و برخی دیگر مورد توجه قرار نگرفته‌اند. این همان بخشی است که به‌نظر من در گذشته سریال همراه‌تر با جامعه دیده می‌شد اما اکنون کمی فاصله گرفته است.

برای مثال، سریال «فرنز» که در آمریکا ساخته شده، یکی از اولین سریال‌هایی بود که به‌صورت جهانی مورد توجه قرار گرفت. این سریال درواقع تبلیغ سبک زندگی آمریکایی است؛ به شکلی رویاگونه، زیبا و طنزآمیز زندگی آمریکایی را به تصویر می‌کشد و در کشورهای مختلف دنیا پذیرفته شده است. هدف آن ترویج سبک زندگی آمریکایی بوده است. حال ما می‌توانیم با سریال پایتخت به موضوعات روز جامعه بپردازیم. هرچند هنوز با سبک خاصی که بتوان آن را ترویج کرد نرسیده‌ایم اما این سریال می‌تواند با حداکثر توان بازتاب‌دهنده زندگی مردم باشد.

در کنار پرداختن به زندگی روزمره، سریال می‌تواند به مسائل پیش‌رو نیز اشاره کند. برای مثال، پیری جمعیت، نیروی کار، پارتی بازی، دلالی، ناامیدی جوانان از کار تولیدی و اقتصادی، یا حتی اختلاس ازجمله موضوعاتی هستند که می‌توانند به شکلی زیبا و طنزآمیز در سریال مطرح شوند. پرداختن به قبح اختلاس و نمایش تأثیرات منفی آن بر مردم نیز می‌تواند ضمن ایجاد طنز، کارکرد فرهنگی داشته باشد. این مسائل نه تنها برد سریال را بیشتر می‌کند، بلکه به دلیل اهمیت‌شان نیازمند یک کارگروه تخصصی برای نظارت بر فیلمنامه و تعیین اهداف بالادستی هستند.

البته باید تأکید کرد که این پرداختن به موضوعات نباید به محور اصلی داستان تبدیل شود، چراکه در این صورت سریال از مسیر خود منحرف شده و ممکن است به یک اثر شعاری و فرمایشی تبدیل شود؛ همانند بسیاری از فیلم‌های سینمایی و آثار ارگانی که این روزها ساخته می‌شوند. **احمدی:** اگر بخواهیم درباره پتانسیل‌های آموزشی این برنامه صحبت کنیم. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در ابتدای این برنامه وجود داشت، پرداختن به موضوعاتی مانند احترام به والدین، مسئولیت‌پذیری، همکاری‌های خانوادگی، مدیریت بحران و چگونگی برخورد با مشکلات بود.

این سریال به‌عنوان آینه‌ای تمام‌نما از جامعه ایرانی، تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی گاه سیاسی (البته کمتر)

کشید و دنیا آن را دید و تأثیر گرفت. ما نیز می‌توانیم سبک زندگی غنی ایرانی و چالش‌های آن را با زبان طنز در سریال پایتخت نمایش دهیم و در ترویج آنها بکوشیم.

در این صورت موقعیت‌های طنز سریال نیز بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند و جذاب‌تر می‌شوند. برای مثال این‌که خانواده چه راهکاری برای مشکلات مالی‌اش پیدا می‌کند؟ و... موقعیت‌هایی از این دست خلق درام و موقعیت‌های کمدی زیادی را می‌تواند موجب شود. سریال باید با هر بهانه‌ای به موضوعات روز بپردازد و وقتی چنین سریالی در قلب اجتماع قرار دارد، چاره‌ای ندارد جز این‌که دایره پرداخت موضوعاتش را گسترده‌تر کند. اگر چنین نکند، ذره‌ذره مخاطبان‌ش را از دست خواهد.

در حال حاضر، به‌نظر می‌رسد شخصیت‌های سریال تا حدودی عصبی هستند؛ این موضوع نیز با واقعیت جامعه همخوانی دارد، چراکه درصد عصبیت در میان مردم بالا رفته است. برخی آلمان‌ها به‌خوبی در سریال دریافت



، پیشنهاد می‌کنم یک گروه ریال تشکیل شود. این گروه معه را بررسی کرده و برای

ند. ابات برگزار می‌شود، سریال مردم برای انتخابات اشاره طرح موضوعات مهم و حرکت مثلاً صرفه‌جویی در آب، برق، تنگی مرتبطی ارائه کند. این سریال را از پوچی محتوایی آن را تثبیت می‌کند.

ریال پایتخت، همچون سریال فرنز، می‌تواند به‌نوعی تبلیغ سبک زندگی باشد. سریال فرنز سال‌ها پیش زندگی آمریکایی را به شکلی رویاگونه و طنزآمیز به تصویر